

توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی

حسن آقا نظری (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

• چکیده

این مقاله تمایز بین دو مفهوم توسعه نیروی انسانی و توسعه انسانی و نسبت آن دو را بیان می کند. همچنین بر پیشینه تأثیر توسعه نیروی انسانی در فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی و دیدگاه اقتصاد دانان مرور کرده و چستی توسعه انسانی برآمده از این دیدگاه را نتیجه گیری کرده است. آنگاه توسعه نیروی انسانی در جایگاه بسترساز همزمان عدالت اقتصادی و توسعه اجتماعی - اقتصادی را مورد پژوهش قرار داده است و چنین یافته که شاخص های توسعه انسانی در ادبیات رایج علمی مناسب با توسعه نیروی انسانی اقتصاد کلاسیک است. تبیین توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه های اسلامی، توسعه انسانی متناسب با خود را به دنبال دارد و در نتیجه اقتصاددانان اسلامی باید شاخص های سازگار با آن را ارائه دهند.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، توسعه سرمایه انسانی، آموزش، شکوفایی استعدادها، آموزه های اسلامی، طبقه

بندی JEL: J۲۴

• مقدمه

بی شک مفهوم توسعه و نگرش به جامعه توسعه یافته، دچار تحولات فراوانی شده است. این تحول از یک طرف به جهت ارائه نظریه های گوناگون درباره راه های رسیدن به توسعه یا موانع آن، و از سوی دیگر به جهت دگرگونی در هدف نهایی فرایند بوده است. مرکز ثقل این بحث ها تا دهه ۱۹۷۰ رشد اقتصادی بوده است. به طور نمونه کوشش های اقتصاددانان آمریکای لاتین در قالب (ECLA) که زمینه ساز ظهور مکتب ساختارگرایی شد، رشد اقتصادی را هدف قرار داده بود. (مایر، ۱۳۶۸:۲۶). در خلال دهه ۱۹۷۰ نیز دادلی سیرز بر تأثیر کاهش نابرابری فقر، بیکاری در مفهوم و چستی توسعه تأکید کرد (تودارو، ۱۳۶۷:۱۳۴).

^۱ Economic Commission for Latin American

در دهه ۱۹۸۰ آمارتیا سن نقطه ضعف اقتصاد توسعه سنتی را توجه بیش از اندازه به رشد اقتصادی و محصول ملی اعلان کرد ، نه تأکید بر قابلیت ها و استحقاق افراد ، در نتیجه اواخر همین دهه ، الگوی « نیازهای اساسی» شکل گرفت و سرانجام محبوب الحق در سال ۱۹۹۰ به صورت ذیل پیشنهاد کرد:

« مدت ها توسعه را به معنای رشد تولید ناخالص ملی می دانسته اند ، اما رشد اقتصادی شرط لازم توسعه اقتصادی است نه شرط کافی . کیفیت این رشد به اندازه کمیت آن اهمیت دارد . کانون توسعه باید انسان باشد و هدفهای عمده ای چون کاهش بنیادی فقر و امکان برخورداری عادلانه از فرصتهای اقتصادی را دنبال کند .» (گریفین و مک کنلی ، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۷ ؛ ۱۹۹۰: ۳۰-۱۶)

بدین ترتیب نگرش جدیدی همراه با رویکرد به رفع فقر و نیازهای اساسی در روند توسعه پدید آمد . چون توسعه به گونه ای از محور رشد اقتصادی فراتر و در فضایی انسانی تر مورد توجه قرار گرفت که مفهوم «توسعه انسانی» به صورت یک فرایند مطرح شد و شاخص هایی به صورت متوسط امید به زندگی ، نرخ های باسوادی ، وضعیت عمومی از جهت بهروزی و مسایل زیست محیطی برای این فرایند تعریف شد (تودارو، ۱۳۶۷: ۱۸) .

• **تمایز مفهوم توسعه سرمایه انسانی و توسعه انسانی**

برنامه توسعه سازمان ملل که در گزارش سال ۱۹۹۰ به مفهوم توسعه انسانی ، تفاوت آن با توسعه نیروی انسانی و معرفی شاخص (HDI) و نماگرهای گوناگون دیگر پرداخته و هر یک از این دو مفهوم را چنین تعریف می کند:

« توسعه انسانی ، فرایندی است که در طی آن گزینه های انتخاب مردم گسترش می یابد و توسعه نیروی انسانی یا سرمایه انسانی عبارت است از مجموعه فعالیت هایی مانند جذب ، تأمین ، آموزش و پرورش ، افزایش دانش و کارایی و پدیدآوردن انگیزه ، که سرانجام به توسعه نیروی انسانی می انجامد (United Nations

Development Programme, ۱۹۹۰: P, ۱۵)

با توجه به دو تعریف پیش گفته می توان تمایز این دو مفهوم را چنین بیان کرد که توسعه انسانی به حوزه قدرت گزینه ها و گستره انتخاب انسان توجه دارد ، و توسعه نیروی انسانی به قدرت خلاقیت ، ابتکار، بهره وری در سایه دانش افزایی و کسب مهارت کاری می اندیشد . در واقع ، توسعه منابع انسانی به صورت فرایند اجتماعی زمینه ساز تحقق توسعه انسانی تحقق توسعه انسانی است . زیرا خلاقیت ، کارایی ، باعث گسترش گزینه های

انتخاب می شود. موضوع این مقاله نیز توسعه سرمایه انسانی در جهت شکل گیری توسعه انسانی است. از این رو ابتدا پیشینه موضوع و آن گاه تحلیل و بررسی آن بر اساس آموزه های اسلامی مورد بحث قرار می گیرد.

• سرمایه گذاری در آموزش و پرورش استعدادها

یکی از وظیفه های هر نظام آموزشی و پرورشی تربیت منابع انسانی با کفایت و کارآمد است. در حقیقت سازوکار نهادی اصلی برای توسعه ی مهارتها و دانش انسانی نظام رسمی آموزشی است (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۷۳). زیرا چنین نظامی استعدادهای بالقوه را کشف و آنها را شکوفا می سازد همچنان که قابلیت نیروی کار را در جهت تطبیق با تغییر فرصت های اشتغال فراهم می سازد. هنگامی که فن آوری تولید تغییر می یابد ماشین آلات فراوانی تعویض می شوند و نیروی کار با آموزش بیشتر می تواند فرصت کوشش جدیدی را برای خود فراهم کند. بنابراین فرایند رشد و توسعه اقتصادی ایجاب می کند که نظام آموزشی نیروی کارآمد را برای نیازهای حال و آینده جامعه فراهم کند (عمادزاده، ۶۵: ۱۳۷۰).

در این رویکرد آموزش انسانی و افزایش توانایی های وی در عرصه اقتصاد، مفهوم های انسانی جایگاه ویژه خود را در تعریف های توسعه پیدا کرد. در حقیقت توجه به چالش های پیش روی انسان ها می طلبد که مردم در کانون توسعه قرارگیرند. بر این اساس آمارتیا سن نقطه ضعف اقتصاد توسعه سستی را توجه بیش از حد به محصول ملی، درآمد کل، و عرضه کل برخی کالاها می داند، نه تأکید بر استحقاق افراد و توانایی هایی که این استحقاق را پدید می آورد. سرانجام فرایند توسعه اقتصادی باید به آنچه که افراد توان انجام دادنش را دارند، سروکار داشته باشد و به این نکته ها هم توجه کند که آیا آنان قادرند عمر طولانی کنند؟ از شیوع بیماری دوری گزینند، تغذیه مناسب، توان خواندن و نوشتن و برقراری ارتباط داشته باشند. به عبارت دیگر فرایند توسعه اقتصادی را می توان به مثابه روند گسترش توانایی های انسان ها در نظر گرفت. اگر رابطه تبعی میان استحقاق افراد در کسب کالاها و توانایی های آنها وجود داشته باشد، می توان فرایند توسعه اقتصادی را با رویکرد شکوفایی قابلیت ها و در نتیجه گسترش استحقاق ها تلقی کرد (sen, ۱۹۸۳: ۳۶-۳۹). بر این اساس این دیدگاه رشد اقتصادی نه در جایگاه هدف بلکه وسیله ای برای افزایش فرصت های زندگی شمرده می شود و رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی سوادی و ... از جمله راه های گسترش قابلیت ها و انتخاب های انسانی در نظر گرفته می شود. به عبارت دیگر، شکوفایی قابلیت های انسان در جهت نیازهای مادی انسان - نه نیازهای

مادی و متعالی آن - مورد توجه قرار گرفت . زیرا بدبختی ها و مصیبت های زندگی این جهانی انسان کانون تمرکز بود و در نتیجه توسعه نیروی انسانی با این رویکرد زمینه ساز فرایند توسعه انسانی مناسب با همان رویکرد شکل گرفت به گونه ای که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد . ۴۰ شاخص برای اندازه گیری آزادی ارائه داد و یکی از آنها آزادی هم جنس بازی است .

به طور کلی ، شاخص های رفاه مادی صرف ، آزادی جنسی ، تساوی مطلق زن و مرد در تمام زمینه ها ، تجویز ازدواج هم جنس ها همان گونه که نهضت های جدید لیبرالیسم در غرب توصیه می کردند ، در این گزارش آمده است . (United Nations Development programme, ۱۹۹۱; Meier, ۱۹۹۵: ۵۵)

زیرا نتیجه منطقی آن رویکرد به توسعه نیروی انسانی همین است که توسعه انسانی فرایندی شمرده شود که شاخص های آن هماهنگ با آن رویکرد باشد . از این رو تفسیر توسعه نیروی انسانی بر اساس آموزه های اسلامی بیستر تجدید نظر در برخی شاخص های ارائه شده را فراهم می کند . در حقیقت یکی از اهداف مقاله همین است که زمینه این تجدید نظر را فراهم کند . به همین جهت توسعه نیروی انسانی بر اساس آموزه های اسلامی مورد پژوهش قرار می گیرد.

• بازسازی توسعه منابع انسانی بر اساس اندیشه اسلامی

بی شک در تفسیر انسان دوستانه از توسعه ، انسان ها هم هدف توسعه اند و هم وسیله و عامل توسعه ، و در یک جمله کوشش برای دستیابی به توسعه از راه سرمایه گذاری بر روی منابع انسانی با تأکید بر قابلیت ها و استعداد های انسانی نه تنها قابل قبول بلکه یگانه راه شکل گیری فرایند توسعه بر مبنای عدالت اقتصادی است . زیرا از یک طرف بر اساس نظریه اقتصاد خرد ، نیروی کار (حداکثری) دستمزدی متناسب با بهره وری نهایی خود دریافت می کند و آموزش نیز از مهمترین عامل های تعیین کننده کارایی (و بهره وری) است (Galbarith, ۱۹۹۱: ۴۶) . از سوی دیگر ماهیت و چیستی عدالت اقتصادی بر اساس آموزه های اسلامی و استحقاق و مسئولیت است . با انجام مسئولیت ، تکلیف ، استحقاق پدید می آید . به عبارت دیگر سرچشمه پیدایش استحقاق ، کوشش سازنده است و عدالت اقتصادی نیز همین اعطای حقوق برخاسته از کوشش ها و انجام مسئولیت ها است . بنابراین عدالت اقتصادی در اسلام در اعطای استحقاق ها نمود عینی پیدا می کند و چون استحقاق از کوشش و انجام تکلیف برمی خیزد ، باید توان انسان ها ، قابلیت ها و استعدادهای آنها شکوفا شود تا

اینکه کار و کوشش در سطح کیفی تری انجام ، و سرانجام استحقاق گسترش یابد . به عبارت دیگر، آموزش هدفمند انسان ها در زمینه های گوناگون مورد نیاز جامعه ، مهارت و کارایی آنها را افزایش می دهد و در نتیجه ، بستر رشد اقتصادی فراهم می شود و هم استحقاق درآمدی آنها بیشتر می شود . بنابراین رفع فقر ، توزیع درآمد عادلانه ، رشد اقتصادی ، در بستر توسعه نیروی انسانی شکل می گیرد . بر این اساس انسان از نظر آموزه های اسلامی ، عامل اساسی و هسته مرکزی اثرگذار در استخدام منابع طبیعی شمرده می شود :

۱. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ (حج، ۲۲)، (۶۵)

« ای بشر ندیدی که هرچه در زمین است خدا مسخر شما گردانید.»

طبیعت توان مقاومت در برابر انسان را ندارد . این انسان است که می تواند ذخیره های طبیعت را در جهت نیازهای گوناگون خود به کار گیرد . طبیعت بیگانه از انسان و انسان ناتوان از سلطه بر آن به نفع خود نیست .

۲. وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ. (ابراهیم، ۱۴)، (۳۴)

«و از انواع نعمت هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود که اگر نعمت های بی انتهای خدا را بخواهید شمارش کنید هرگز حساب آن نتوانید کرد.»

طبیعت که در خدمت انسان قرار داده شده بخیل و ناتوان نیست این گونه نیست که نیازهای اساسی بر زمین مانده بخش وسیعی از جمعیت های جهان و ناکامی های آنها مثل فقر، گرسنگی ، قحطی ، بیماری و ... به واسطه ناتوانی طبیعت ، بخل و عقیم بودن این کره خاکی باشد . این نوع کاستی را باید در ستم و نادانی انسان امروز جستجو کرد نه در کمبود و عقیم بودن طبیعت ، بنابراین مشکل اساسی ظلم و جهالت انسان و از خود بیگانگی اوست نه بخل طبیعت یا دیگر نارسایی های آن . البته باید توجه داشت که منابع خدادادی بالقوه محدودیت ندارد و به فعلیت رسیدن آنها نیازمند کوشش انسان های توانمند است .

۳. هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود، ۱۱)، (۶۱) .

« او (خدا) شما را از زمین بیافرید و برای آباد ساختن آن برگماشت.»

از انسانی که توان استخدام طبیعت را به نفع خود دارد ، عمران و توسعه خواسته شده است . انسان آنگاه می تواند نقش خود را در فرایند توسعه ابقا کند که در سایه آموزش و کسب مهارت و توان فنی ، علمی به طور کارا از رابطه با طبیعت بهره جوید ، و با تربیت صحیح و شکوفایی ارزشهای انسانی در تعامل خود با دیگران ظلم نکند . جهالت ، عقب ماندگی ذهنی ، فکری و به فعلیت نرسیدن استعداد های تربیتی و پرورشی وی در مناسباتش با منابع

طبیعی و دیگر افراد جامعه، مشکل اساسی توسعه نیافتگی اجتماعی، اقتصادی و سرچشمه گسترش فقر و درماندگی است. در این نگاه، منابع انسانی پایه اصلی ثروت و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی توسعه اجتماعی - اقتصادی شمرده می شوند. از این رو کارکرد نظام آموزشی به معنای عام و فراگیر آن زمینه ساز اصلی فرایند توسعه است. زیرا این فرایند بر اساس آموزه های قرآنی انسان محور است.

اما نکته اساسی این است انسان محوری بر اساس این آموزه ها با انسان محوری در نظریه های توسعه اقتصادی دیگر اقتصاددانان تفاوت جوهری دارد. زیرا نظام تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های اسلامی در ارتباط فرد با مبدأ آفرینش، ایمان و اعتقاد به توحید، و در ارتباط با خویشتن، روحیه مقاومت در برابر سختی ها، نظم، وقت شناسی، دانش جویی، حقیقت دوستی، ابتکار و خلاقیت در زمینه های علمی، فنی، ادبی، تزکیه نفس، فضایل و مکارم اخلاقی را مورد توجه قرار می دهد. همچنان که در ارتباط فرد با جامعه باور فرهنگی به اصول و عامل های بنیادین فرایند توسعه اجتماعی را مثل تعاون، برابری، آزادی خواهی، وظیفه شناسی، انضباط کاری را شکوفا می کند.

در حقیقت نظام تعلیم و تربیت بر خصلت های فضیلت خیرخواهی، تعاون، دانش جویی، رعایت حقوق دیگران، وفا به عهد، امانت داری، صداقت، پشتکار، نظم در روابط کاری و دیگر ارزش های انسانی - اجتماعی اصرار و پافشاری ویژه دارد. بر این اساس امام علی (ع) در منظور حکومت حاکم خود در مصر چنین می فرماید:

«جبایه خراجها، جهات عدوها و استصلاح اهلهما و عماره بلادها» (نهج البلاغه: ۵۳)

«خراج آنها را جمع آوری کند و با دشمن آنان جنگ کند، به اصلاح حال مردم پردازد و شهرهای آنجا را آباد سازد».

تأمین هزینه های عمومی، امنیت همه جانبه جامعه و احیای شایستگی و صلاحیت مردم و عمران و آبادانی شهرها را از هدفهای کلی حاکمیت خود اعلان کرده است. به طور دقیق شکوفایی شایستگی های انسان تک بُعدی نیست. بلکه جامعیت و شمول درباره نیازهای مادی، معنوی، روحی، جسمی، فردی، اجتماعی را می طلبد.

از این رو تمایز اساسی این نوع توسعه با تفسیر انسان دوستانه از توسعه در ادبیات اقتصادی؛ این است که در نظام آموزش اسلامی تمرکز بر توان مندی انسان از جهت علمی، مهارتی و رفتار بر رشد اقتصادی و سرانجام گسترش انتخاب انسان ها در حوزه بخشی از نیازهای طبیعی نیست. بلکه کلیه استعدادها و نیازهای اساسی وی اعم از نیازهای مادی، معنوی، در حوزه هدفهای آموزش قرار می گیرد.

به عبارت دیگر، این تمایز نقطه به حروف می‌گذارد و مسیر توسعه نیروی انسانی را آن گونه متحول می‌سازد که توسعه انسانی که همان گسترش انتخاب انسان است، به صورت محصول فرایند توسعه نیروی انسانی دچار دگرگونی چشمگیر می‌شود، که در پایان مقاله بدان اشاره خواهد شد. زیرا در توسعه نیروی انسانی بر اساس دیدگاه آموزه‌های اسلامی انسان تجزیه نمی‌شود.

این یک واقعیت است که انسان به ارضای نیازهای مادی خود ناچار باشد اما آنچه مهم است چگونگی ارضای این نیازها و تعادل و تعامل آنها با دیگر نیازهای اولیه و ثانویه است. نیازهای اولیه وی در قالب نیازهای جسمانی مثل نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و نیازهای روحی اش مثل علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت شکل می‌گیرند و نیازهای ثانویه که از نیازهای اولیه سرچشمه می‌گیرند، عبارتند از: نیاز به انواع آلات و وسایل زندگی که در هر عصر و زمانی تغییر می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۵:۳۸۵).^۱

مجموعه نیازهای اولیه و ثانویه زمینه ساز حرکت و کوشش انسان‌ها شمرده می‌شوند و نظام آموزشی آن‌گاه واقع‌نگر و جهانشمول خواهد بود که این مجموعه را تجزیه نکند. بر این اساس آموزه‌های اسلامی چنان که بر تأمین نیازهای مادی، روحی، اجتماعی توجه کامل دارد بر فراگیری مهارت‌ها، فنون و علوم کاربردی مورد نیاز جامعه نیز تأکید می‌کند که به صورت نمونه در روایت ذیل، امام صادق (ع) فرمود:

«و جعل اسباب ارزاقهم فی ضروب الاعمال و انواع الصناعات و ذالک اذوم فی البقاء و اصح فی التدبیر» (طبرسی، ۱۳۸۴: ۸۴)

«خداوند اسباب رزق و معیشت مردم را در اعمال گوناگون و انواع صنایع قرار داده است از این رو پدیدآوردن چنین اسبابی برای معیشت زمینه‌پایداری جهات و صحیح‌ترین نوع اداره انسان‌هاست.»

بی‌شک آن‌گاه که نظام تعلیم و تربیت به طور فراگیر انسان‌های ارزش‌مدار، کارآمد، تربیت‌کند، قابلیت و استعداد‌های مدیران، کارگران، کشاورزان و دیگر نیروهای درگیر اداره جامعه، شکوفا و زمینه‌سازماندهی تولید، نوآوری افزایش بهره‌وری و صادرات و رشد تولید ناخالص ملی (GNP) فراهم می‌شود. در حقیقت تغییرها و

^۱ نیازهای اولیه، محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است. اما نیازهای ثانویه از توسعه و کمال زندگی ناشی می‌شود و در عین حال، محرک به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر است. نیازهای اولیه همیشه وجود داشته و هیچگاه کهنه نمی‌شوند. اما نیازهای ثانویه ممکن است تغییر کرده و از بین بروند اما برخی از آنها همیشه زنده اند مثل نیاز به قانون که از نیاز به زندگی اجتماعی ناشی می‌شود بشر هیچ‌گاه در زندگی اجتماعی بی‌نیاز از قانون نبوده است. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۸۴-۱۸۳) بدیهی است که موضوع نیازهای انسان از بحث‌های کلیدی انسان‌شناسی است که در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی اثرگذار است و در جای مناسب خود باید مورد تحقیق قرار گیرد.

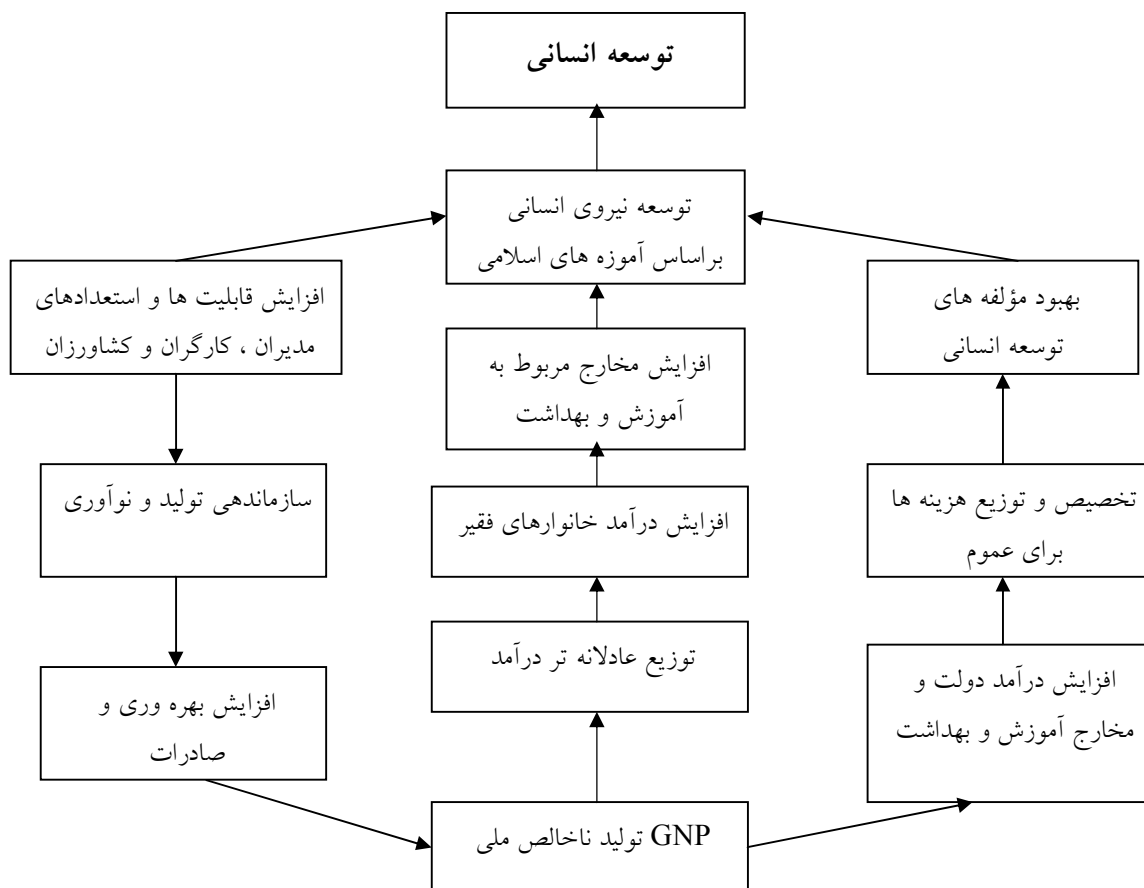
دگرگونی مناسب در ساخت های گوناگون اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، حقوقی جامعه به وسیله انسان های کارآمد شکل می گیرد و زمینه توسعه اجتماعی - اقتصادی تحقق می یابد .

بدیهی است که با چنین رشدی با توجه به دو عنصر استحقاق بر اساس انجام مسئولیت و تکلیف و افزایش توانمندی و مهارت کاری در سایه شکوفایی استعداد های انسان ها ، زمینه افزایش درآمد و توزیع عادلانه از ثروت تولید شده به طور نسبی فراهم و در نتیجه همزمان با افزایش درآمدهای خانواده های فقیر، و تأمین هزینه های مربوط به آموزش و بهداشت آنها ، درآمد دولت جهت تخصیص هزینه های عموم در جهت رشد مؤلفه های فرایند توسعه انسانی بهبود می یابد . البته باید توجه داشت چنین فرایند توسعه انسانی ، برخاسته از توسعه توسعه نیروی انسان با جامعیت و همه جانبه نگری است .

استعداد های مادی و روحی انسان مورد تجزیه قرار نگرفته و خصلتهای انسانی انسان ، فدای برخی استعداد های وی نشده است . از این رو شاخص های چنین توسعه ای باید متناسب با تأمین نیازهای گوناگون مادی ، انسانی تدوین شود . چون شاخص هایی مانند آزادی هم جنس بازی ، تجویز ازدواج هم جنس ها ، تساوی مطلق زن و مرد برای اندازه گیری و سنجش آزادی (United Nations Development Programme, ۱۹۹۱) مناسب با فرایند توسعه انسانی بر اساس آموزه های اسلامی نیست . از این رو ضرورت دارد که پژوهشگران اقتصاد اسلامی شاخص های کیفی هماهنگ با این آموزه را که قابلیت تبدیل به اندازه گیری کمی را داشته باشد مورد تحقیق قرار دهند . برای گام نخست و زمینه ساز چنین پژوهشی به برخی از این شاخص های کیفی اشاره می شود به امید اینکه گامهای بعدی آن برداشته شود و چنین شاخص هایی با دیگر شاخصهای کیفی تبدیل به شاخص های کمی شود :

۱. زمینه شکوفایی استعدادها و ارزشهای متعالی و به کارگیری متناسب آنها ؛
۲. کاهش فقر فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی بر اساس مهارت اشتغال ، بهره وری ؛
۳. نهادینه شدن آزادی مشروع در مناسبت های اجتماعی - اقتصادی ؛
۴. کرامت اجتماعی انسان در سایه رعایت حقوق دیگران و کاهش ناهنجاری های اجتماعی و امنیت فراگیر.

نمودار توسعه نیروی انسانی زمینه ساز توسعه انسانی



• نتیجه ها :

الف) برای رسیدن به ظرفیت و توان تولید بالا ، افزون بر سرمایه فیزیکی به سرمایه انسانی نیاز است بدون رشد و بالندگی سرمایه انسانی هیچ نظام ، سازمان یا جامعه ای نمی تواند به هدف های رشد اقتصادی دست یابد؛

ب) توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه های اسلامی فقط به تحصیل ، کسب مهارت ، آموزش نیروی کار نمی اندیشد بلکه شکوفایی فضیلت ها و استعدادها ی گوناگون مادی و معنوی انسان را مورد توجه قرار می دهد .

شکل گیری چنین سرمایه انسانی به طور هم زمان ، زمینه بهره وری را فراهم و سرانجام زیان های اجتماعی برخاسته از فقر را کاهش می دهد؛

ج) ارائه شاخص های مناسب با فرایند توسعه انسانی که بیانگر شکوفایی مهارت های علمی ، کاری ، ارزش های انسانی ، اخلاقی باشد یکی از ضرورت های جدید پژوهشی است که پژوهشگران اقتصاد اسلامی باید آن را مورد توجه قرار دهند.

• پیشنهادها

۱. توسعه دانایی محور ، توسعه نیروی انسانی را می طلبد . بنابراین مدیریت منابع انسانی باید مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد؛
۲. توسعه سرمایه انسانی در کشور شرط لازم رشد اقتصادی است نه شرط کافی . از این رو دیگر شرایط مورد نیاز جهت تحقق آن ، از جمله بازارهای آزاد ، انعطاف انتخاب آزاد افراد و موردهای مشابه ، نباید دربرنامه ریزی نادیده انگاشته شود .

منبع : فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی ، سال هفتم ، شماره ۲۶ ، تابستان ۱۳۸۶